



# پایه

ویژه فرهنگ - هنر  
رسانه - جامعه

دوشنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۸۹

گفت‌وگوی «جام جم» با  
حمیدرضا شاه‌آبادی، داستان‌نویس  
مدیر فرهنگی و نامزد جایزه جهانی  
«آسترید لیندگرن»

## اتهام کتاب‌خواندن به ایرانی‌ها وارد نیست

هر کسی نمی‌تواند رمان نوجوان بنویسد

۸

مستند

## عباس آخوندی به ما وقت نداد

گفت‌وگو با محمد نجفی  
کارگردان مستند «سقف‌های معلق»  
سعی کردم به نقطه‌ای اشاره کنم که مشکل مسکن  
از آنجا شروع می‌شود؛ ضمن این‌که بحث مسکن  
گرچه دیرینه و فرسایشی به نظر می‌رسد اما به  
نسبت تاریخ کشور ما خیلی تاریخ و قدمت طولانی  
هم ندارد و ما ۶۰ سال است که ...

۱۱



یادداشتی درباره «موقعیت مهدی» که این روزها  
در تلویزیون اکران برخط شده است

## تمرین کنید که نگران نباشید!

۱۰

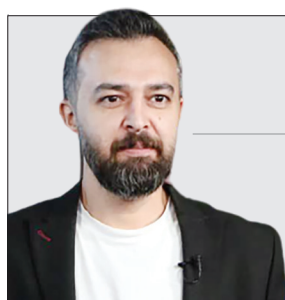


رئیس کارگروه ساماندهی مد و لباس کشور  
در گفت‌وگو با «جام جم» مطرح کرد

## ویتترین خالی پوشاک غیف و ارزان

سبک زندگی

۱۲



گفت‌وگو با  
محمودرضا قدیریان

## انرژی‌ام را از مخاطب دریافت می‌کنم

رسانه

۷



گفت‌وگوی «جام جم»  
با آتش تقی‌پور

## دوست دارند ما را در چرخ‌گوش‌بیندازند

رسانه

۶

خبر روز

دوشنبه‌نویسه‌ها

رضا داوری اردکانی در مراسم بزرگداشت سالروز درگذشت علامه حکیمی:

## عدالت، لازمه اعتقاد به سیاست دینی است

تعبیر علامه امینی از استاد حکیمی

در این مراسم سیدعباس صالحی، مدیرمسئول روزنامه اطلاعات،  
علامه حکیمی را تداعی‌گر ایوب‌در در نبرد دانست و گفت: قبل از  
۳۰ سالگی علامه امینی از ایشان به عنوان «العلامه الجلیل» یاد  
می‌کنند. مرحوم سیدجلال آشتیانی با همه تفاوت سلیقه و نگاه‌ها  
در برخی حوزه‌ها از ایشان به عنوان دانشمند بسیارداران و محقق  
یاد می‌کند.

صالحی در ادامه در تشریح این‌که حکیمی که بود و که نبود،  
گفت: او هم نوگرا بود و هم سنت‌گرا؛ هم هردو بود و هم هردو نبود.  
بسیاری از گفته‌های ایشان نشان می‌دهد چنین ترکیب متمایزی  
از سنت‌اندیشی نوگرایانه و نوگرایی سنت‌اندیشانه داشت؛ او هم  
آخوند و هم روشنفکر بود. هم هردو بود و هم هردو نبود؛ حکیمی  
ترکیبی بود متفاوت، متمایز و منحصر.

به گزارش ایکننا، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی نیز  
در این مراسم گفت: تجربه زیسته حکیمی این بود که می‌توان با  
قرآن مواجهه معرفتی کرد و عقل برای فهم قرآن کافی است. در  
عین حال باید از سنت غیبارزایی کرد و البته به درون‌مایه‌های آن  
احترام گذاشت.

در این مراسم از سه اثر «مؤسسه فرهنگی الحیات»، نرم‌افزار  
«مجموعه آثار استاد علامه محمدرضا حکیمی»، کتاب «حکیم  
چاودانه» و وب‌سایت تبیینی «الحیات» رونمایی شد.



فلسفه راعین دین دانست. مرحوم حکیمی ضدفلسفه نبود بلکه  
آن راعین دین نمی‌دانست.

وی با تأکید بر این‌که علامه حکیمی درد عدالت داشت، گفت:  
عدالت حرف نیست، درد است و استاد حکیمی درد عدالت  
داشت و در زمان ما اگر بگویم در زمره اشخاص بی‌نظیر بود  
ز یادگویی نکرده‌ام.

استاد حکیمی از کلام من فهمیده بود که پرسشی دارم اما به زبان  
نیاورده‌ام و پرسش این بود که آیا از فارابی باید بپذیریم که فلسفه  
عین دین است؟ استاد حکیمی این را قبول نداشت که نباید

رضا داوری اردکانی در مراسم بزرگداشت محمدرضا حکیمی  
گفت: حکیمی درد دین داشت و در طلب درک دین می‌کوشید و  
تا پایان عمر به درک حقایق معارف اسلامی مشغول بود اما در ذیل  
روحانیت نماند. تغییری که در لباس خود داد به این معنا نبود که  
از روحانیت خارج شده است بلکه به این تغییر می‌توان گفت صفت  
روحانیت را حفظ کرده اما دیگر شغل روحانیت را ندارد.

وی در مراسم بزرگداشت و رونمایی آثار مرحوم استاد محمدرضا  
حکیمی که در مؤسسه اطلاعات برگزار شد، گفت: بزرگی اشخاص در  
گفتار پدید نمی‌آید بلکه در رفتار آنها متجلی می‌شود. باکی، دانایی  
و صداقت در گفتار ایشان بسیار ملموس بود. من و آقای حکیمی  
همدلی‌های بسیاری با هم داشتیم اما کمتر فرصت دیدار پیش  
می‌آمد و در ملاقات‌ها بیشتر گوش می‌دادم تا بپذیرم مند شوم.

رئیس فرهنگستان علوم ادامه داد: یکی از نوشته‌های من  
درخصوص فارابی است و بخشی از آن نیز رساله دکتری است؛  
در این رساله درخصوص فلسفه یونانی سخن گفتم. به نظر من  
فلسفه اسلامی در جهتی که فارابی آن را مطرح کرده، افتاده است.  
خواننده دقیق می‌تواند دریابد که فلسفه فارابی با فلسفه اسلامی  
کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

استاد حکیمی از کلام من فهمیده بود که پرسشی دارم اما به زبان  
نیاورده‌ام و پرسش این بود که آیا از فارابی باید بپذیریم که فلسفه  
عین دین است؟ استاد حکیمی این را قبول نداشت که نباید

سینمای جهان

فیلمی که اقتباس از داستانی محیط زیستی است

## تنفس استرالیایی با «قهر طبیعت»

دربرگرفته، راه را برای نوشتن داستان‌هایی جذاب  
و پرتنش در این رابطه هموار می‌کند. برای همین،  
سینمای بومی همواره از این نوع داستان‌سرایی  
برای تعریف تصویری ماجراهایش استفاده  
می‌کند. حضور آریک بانا که شهرت بین‌المللی  
دارد و در داخل استرالیا هم از محبوبیت فراوانی  
برخوردار است به موفقیت مالی فیلم و بهتر دیده  
شدن آن کمک زیادی می‌کند.

مسائل زیستی مورد توجه استرالیایی‌ها  
بانانا و کانلی بعد از موفقیت کلان درام اجتماعی  
«خشکسالی»، همکاری مشترک را برای تولید

در انجام کار خود موفق نمی‌شوند و نمی‌توانند  
قله مورد نظر خود را در نقطه‌ای دور دست فتح  
کنند. چهار نفر از آنها موفق می‌شوند خودشان را  
به مکانی امن برسانند. دو مامور فدرال پلیس برای  
پیدا کردن کوهنورد گمشده راهی کوه ویکتوریا  
می‌شوند و جای امیدواری است که او را زنده پیدا  
کنند. آریک بانا، یکی از این دو مامور فدرال است.  
به گفته رابرت کانلی: «داستان هارپر در ارتباط با  
نبرد انسان با طبیعت و تلاش برای مهار کردن آن  
است و این موضوعی است که در استرالیا مورد توجه  
عموم مردم است. شرایط سخت زیست محیطی و  
طبیعت خشنی که بخش مهمی از این سرزمین را

صنعت سینمای استرالیا که تلاش برای ادامه  
حیات و مقابله با بلاک باسترهای هالیوودی را  
ادامه می‌دهد، برای تولید تازه‌اش «قهر طبیعت»  
دوباره از آریک بانا، چهره سرشناس و خوشنام خود  
بهره می‌گیرد. رابرت کانلی، فیلمساز نامتعارف  
استرالیایی که سابقه همکاری با بانانا دارد، کارگردانی  
این درام را انجام می‌دهد. فیلمنامه اقتباسی قهر  
طبیعت با نگاهی به رمان پرخواننده‌ای به همین  
نام، اثر جین هارپر نوشته شده است. این داستان  
یکی از موفق‌ترین آثار ادبی یک دهه اخیر این کشور  
بوده است. داستان قهر طبیعت، ماجرای سفر  
ورزشی پنج خانم کوهنورد را به تصویر می‌کشد که



پلیسی ظاهر شد که بعد از سال‌ها به خانه پدری  
برمی‌گردد تا در مراسم تدفین دوستی قدیمی  
شرکت کند.

این حضور که با خشکسالی شهر همراه است، یک  
جنایت قدیمی و کشف نشده را دوباره در سطح  
شهر مطرح و رازگشایی می‌کند. / وبسایت

محصولات بومی پربیننده ادامه می‌دهند.  
خشکسالی سال قبل در استرالیا اکران عمومی شد  
و توانست به یکی از پرفروش‌ترین محصولات سال  
جدول گیشه نمایش سینماهای کشور تبدیل شود  
و در تعداد زیادی از کشورهای دنیا هم با موفقیت  
روی پرده برود. بانا در این درام پرتنش در قالب

بخش نخست

گام اول به زیرکشیدن

حاکمیت جشنواره‌های جهانی

سفرتیم ایرانی از سازمان سینمایی به  
عراق و حالا به روسیه در آستانه هفته  
گذشته کمتر همتی برای بازیابی فیلم‌های ایرانی از طریق  
سازوکاری اصولی وجود داشته است. همه تلاش متولیان دولتی  
معطوف به جشنواره‌های جهانی بوده است، جشنواره‌هایی که  
مهم‌ترین شان با هدف نابودی سینمای دیگر کشورها می‌کوشند  
تا چنین کشورهایی فقط مصرف‌کننده باقی بمانند. هیچ عقل  
سلیبی با جشنواره‌ها مخالف نیست.

بی‌تردید جشنواره‌ها یک بستر و فرصت هستند. حتما باید  
جشنواره‌های جهانی را در جایگاه میدانی برای عرضه به حساب  
آورد اما اینجا مناقشه آمیز است که جشنواره‌زنگی غالب می‌شود  
و غلبه‌تر از این شرکت و حضور در جشنواره‌ها هدف غایی و  
نهایی مدیریت دولتی محسوب می‌شود. بعید است کشوری  
صاحب سینما و تولیدکننده فیلم در دنیا باشد که جریان اصلی  
سینمایش را در انحصار جشنواره‌ها قرار دهد. درحالی که جریان  
اصلی سینمای ما به تصرف جشنواره‌های جهانی درآمده تا آنجا  
که دیگر چیزی برای فتح نمانده است. این تسلط و حاکمیت  
چنان ثبات یافته و در داخل مقلد و هوادار و لشکر دارد که برای  
تداوم و استمرارش در سال‌های گذشته سوزه سفارش می‌دادند  
و مستقیم و غیرمستقیم موضوعات مورد توجه این جشنواره‌ها  
قبل از اعلام فراخوان بیج می‌شد و خواسته‌های بیگانه در  
دستور تولید قرار می‌گرفت.

هشت میلیون تماشاگر داخلی با تولید نزدیک صد فیلم بلند  
برای جمعیت ۸۰ میلیونی ایران از شوخی گذشته و به فاجعه  
تبدیل شده است. البته ۵۰ درصد این هشت میلیون هم از  
رهگذر اکران چند فیلم سطحی و مبتذل محقق می‌شود.  
اغلب کشورهای جشنواره‌بازا فاقد تولید انبوه فیلم هستند  
و غالبا مبادرت به مصرف فیلم‌های تولیدشده در چند کشور  
صاحب سینما می‌کنند. این گروه از کشورها از آنجا که سینما  
ندارند، با معدود فیلم‌های محقر و لاغر شبه‌روشنفکرانه چشم  
به جشنواره‌های جهانی دارند تا از این طریق به قول برخی اعتبار  
جهانی کسب کنند، درحالی که کشورهای تولیدکننده با عبور از  
تماشاگر داخلی به فرامرزها دست می‌یابند. به مصداق معروفی  
که می‌گوید تا بومی نباشی جهانی نخواهی شد. فیلم‌های ایرانی  
در صورتی به بازارهای مصرف بیرون راه خواهند یافت که در  
داخل نیز مورد توجه مخاطب انبوه قرار گیرند.